

همه گاهی با هم دعوایشان می‌شود، چه
پرنده‌های روی درخت، چه سنجاب‌هایی که
توی لانه هستند، و چه گوزن‌های توی جنگل.

حتی اعضای خانواده‌ی خرسی هم که توی
خانه‌ی درختی بزرگ انتهای جاده‌ی خاکی آفتابی
در وسط شهر خرس‌ها زندگی می‌کنند هم گاهی
دعوایشان می‌شود.





مامان خرسی، باباخرسی، برادرخرسی، خواهرخرسی
و خرس عسلی بیشتر وقت‌ها با هم خیلی خوب بودند.
بیشتر وقت‌ها حواسشان بود که بگویند «لطفاً»، «ممنونم»
و «ببخشید».

(به‌جز خرس عسلی، که تازه
داشت حرف زدن یاد می‌گرفت.)

